



واکنش‌ها به تغییر نصاب آموزشی؛

## اقدام طالبان خانه‌براندازو تروریست پروری است



طالبان در جریان یک‌وینیم سال گذشته، دروازه‌های مکتب‌های متوسطه و لیسسه را به روی دختران مسدود کرده‌اند. آنان پس از فشارهای داخلی و خارجی مبنی بر بازگشایی مکتب‌های دخترانه، استدلال کرده‌اند که با تغییر نصاب آموزشی، دروازه‌های مکتب‌ها به روی دختران باز خواهد شد. مقام‌های وزارت معارف طالبان از این پیش‌خاطر نشان ساخته بودند که نصاب آموزشی زیر کار است و به‌زودی بازنگری خواهد شد، اما...

۳

افزایش بیماری‌های فصلی؛

## سینه‌وبغل در ۱۱ ماه جان حدود دو هزار کودک را گرفته است

۵



انفجارهای سالنگ؛

## آن سوی فاجعه ناپیدا است

یکی از گواهان رویداد توضیح می‌دهد: «تا عصر امکان داخل شدن به تونل نبود. اکنون جسد‌های زیادی داخل تونل باقی مانده است. بیش از ۲۰۰ نفر تلف شده‌اند. تانکر گاز و چند موتر زغال سنگ در حال سوختن است. وضعیت خراب است. تازه نیروهای وزارت دفاع طالبان رسیده، آتش‌نشانی هم از بغلان آمده. توانش نیست که خاموش کند. تا که آتش خودش به‌شکل عادی خاموش نشود، نمی‌شود. در طرف سالنگ شمالی هم جسد‌های زیادی کشیده شده‌اند.»

۳

## کوچ اجباری در سرپل؛ مردم با شعار «ستم قومی» علیه طالبان اعتراض کردند



شعارهایی علیه «ستم قومی» سر می‌دهند. هنوز طالبان در مورد این اعتراضات واکنش نشان نداده‌اند. اما پیش از این وزارت عدلیه طالبان اعلان کرده بود که ۴ هزار و ۸۷۲ جریب زمین «مارتی» در ولایت سرپل تثبیت شده است.

## سفارت طالبان در اسلام‌آباد: ۱۵۰۰ مهاجر افغانستان در پاکستان زندانی اند



بربنیاد معلومات نشر شده، در سه ماه گذشته ۵۰۰ تن از این مهاجران از زندان‌های پاکستان

## عوامل تنش آبی افغانستان و ایران

حاصل این همه کار، توافق‌نامه ۱۳۵۱ ه.خ است که براساس آن حق آبه ایران از این رودخانه سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب تعیین شده است.



۶

## آیا طالبان به‌راستی پیرو دوست‌دار امام ابوحنیفه‌اند؟



۶

## یک طالب توسط چهار طالب دیگر در فاریاب کشته شد

۸صبح، فاریاب: منابع محلی از کشته شدن یک عضو طالبان توسط مأموران مبارزه تروریسم این گروه خبر می‌دهند. منابع محلی به ۸صبح می‌گویند که معاذ، از اعضای گروه طالبان، شب گذشته، ۲۸ قوس، در منطقه پشته ولسوالی گزریوان توسط حمیدالله، عضو مبارزه با تروریسم و افراد تحت امر وی کشته شده است. به گفته منابع محلی، در قتل این عضو طالبان چهار تن از اعضای این گروه دست دارند.

از سوی دیگر، منابع افزوده‌اند که از این میان دو تن بازداشت شده و دو تن دیگر فرار کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان در فاریاب تأیید می‌کنند که دو تن از اعضای امریت مبارزه با تروریسم این ولسوالی بازداشت شده‌اند و تحقیقات در مورد چگونگی این رویداد جریان دارد. این نخستین بار نیست که اعضای طالبان هم‌دیگر را به قتل می‌رسانند. پیش از این در ولایت‌های مختلف حوادثی از این دست اتفاق افتاده است.



آزاد شده‌اند. سفارت طالبان در پاکستان گفته که قرار است شماری از مهاجران زندانی شامل زنان، کودکان، کهن‌سالان و بیماران به‌زودی رها شوند. این در حالی است که سه روز پیش دبیر کل عفو بین‌الملل در نامه‌ای به نخست‌وزیر پاکستان، نگرانی‌اش را از وضعیت مهاجران افغان در آن کشور ابراز کرد.

آزاد شده‌اند.

سفارت طالبان در پاکستان گفته که قرار است شماری از مهاجران زندانی شامل زنان، کودکان، کهن‌سالان و بیماران به‌زودی رها شوند. این در حالی است که سه روز پیش دبیر کل عفو بین‌الملل در نامه‌ای به نخست‌وزیر پاکستان، نگرانی‌اش را از وضعیت مهاجران افغان در آن کشور ابراز کرد.

## تعلیم‌ستیزی طالبان را به پاشنه آشیل این گروه بدل کنیم

نصاب آموزشی دوران جمهوریت کاستی‌های بسیار داشت؛ ذهنیت پروژه‌های برخی مسوولان، فساد مالی، زدوبندهای سیاسی و دیگر مشکلات بر نصاب تأثیر گذاشته بود. از کاستی‌های جدی آن، عدم تناسب بین محتوا و شکل نصاب بود. عناوین پرطمطراق، مضامین پر حجم، چاپ رنگی و کاغذ نسبتاً باکیفیت با آنچه در درون کتاب‌ها نوشته شده بودند، همخوانی نداشت. تسلسل مضامین از یک صنف به صنف دیگر در مواردی موجود نبود، املا و انشای نوشته‌ها ضعیف بود و مطالب، به‌خصوص در مضامین غیرساینسی کمتر تخصصی و بیشتر سیاسی بود. وضعیت سهمی سیاسی، بر نصاب نیز اثر گذاشته بود و مطالب درج‌شده در کتاب‌ها معجونی از دیدگاه‌های گروه‌های حاکم بود. برخی مضامین و عنوان‌های درسی برای دل‌خوشی طرف‌های سیاسی در نصاب گنجانده می‌شدند و از این‌رو با گذشت زمان، حجم نصاب به شکل غیرضروری افزایش می‌یافت و نارضایتی معلمان، شاگردان و خانواده‌ها را در پی داشت. در ارتقای ممد درسی کار نشده بود و از این بابت دوره ابتدایی، فقیرترین بخش نصاب بود. در حالی که در نصاب معاصر، دوره ابتدایی به آموزش غیرمستقیم، محیط‌سازی و ممد درسی استوار است.

با این حال، نصاب آموزشی در ۲۰ سال گذشته مسیر رو به ترقی را پیموده بود و در درون نظام آموزشی کشور کارهای قابل قدر هم در نهادها و هم از سوی اشخاص انجام گرفته بود که نتایج آن در بازدهی تعلیم آشکار بود. مهم‌ترین امتیاز سیستم تعلیم آن دو دهه وجود فرصت برای تعامل بود. تقریباً همه نیروهای سیاسی، سنت‌های تعلیمی و دیدگاه‌های فرهنگی مطرح کشور فرصت نسبی تبارز در عرصه آموزش داشتند. تعدادی با ابتکار خصوصی سهم خود را ادا می‌کردند و عده‌ای از طریق نظام رسمی می‌کوشیدند که در شکل‌دهی نصاب و سیستم آموزشی کشور نقش ادا کنند. کسانی می‌کوشیدند که ارزش‌های محلی، قومی و مذهبی خود را در نصاب بگنجانند؛ عده‌ای تلاش داشتند با اتکا به تجاری که در نزدیک به یک سده فعالیت تعلیم و تربیه رسمی در حافظه نظام رسمی اندوخته شده بود، سیستم فراگیرتر را شکل دهند و عده‌ای نیز با آموخته‌هایی که از جوامع دیگر داشتند، می‌کوشیدند نصاب و سیستم تعلیمی را عصری‌تر سازند. این امر باعث پراکنده‌گی، کارهای موازی، اقدامات متناقض و خنثاکنده شده بود؛ ولی حاصل جمع نهایی آن مثبت بود. پیشرفت واقعی در فضای رقابتی و شرایطی ممکن است که مردم با تنوع و گاه حتی تناقض روبه‌رو شوند. این روند اگر ادامه می‌یافت، کمبودها به تدریج رفع می‌شد و افغانستان به قافله تعلیم و تربیه جهان می‌پیوست و مکاتب کشور می‌توانستند زمینه شکوفایی استعدادهای فراوان کودکان و نوجوانان شوند.

ارج‌گزاری به نقش زنان و تصدیق نیاز ملت به بسیج عمومی، بدون تفکیک جنسیت در کار و تحصیل، نقطه قوت نصاب دوران جمهوریت بود. در آن نصاب مردم به کار تشویق می‌شدند، تعلیم و تخصص قدر می‌شد و روحیه عمومی حاکم بر نصاب اعتدال بود. تقدیر از تماس با جهان و آشنایی با واقعیت‌های نیک و بد آن نیز نکته مثبت نصاب بود. اکنون که طالبان چرخ تعلیم را متوقف کرده و مشغول باز کردن پیچ‌ومهره آن سیستم‌اند، نصاب فروخواهد پاشید. آنچه را طالبان با نظام معرفت انجام می‌دهند (جراحی نصاب، بستن مکاتب، تقبیح ارزش‌های مدنی، سرکوب معلمان و حذف دیدگاه‌های ضدطالبانی) تغییر نه، بلکه تخریب است. مردم باید با تمام ابزار دست‌داشته در برابر این ویرانگری مقاومت کنند. امید می‌رود که کارشناسان عرصه تعلیم، سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران و نویسندگان وطن در این مقاومت سهم فعال بگیرند و با اتکا به اسناد و فاکت‌های بسیاری که از برنامه و نیز عمل طالبان در این یک‌و نیم سال به‌دست آمده است، برای روشن‌نگری داخلی و نیز اطلاع‌رسانی در سطح جهان استفاده کنند تا هم‌وطنان ما از ابعاد خطری که با آن روبرو هستیم، بیشتر آگاه شوند و جهان از آن چه بر ملت ما روا داشته می‌شود، با جزئیات بیشتر آگاه گردد. اگر دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم سیاست ضدتعلیمی طالبان را به پاشنه آشیل آن گروه بدل کنیم.

صفحه ویژه هشت‌صبح که بعد از نشر گزارش اخیر ایجاد شده است، منبع خوبی برای آغاز این کارزار ملی است. اسناد و تحلیل‌های بسیاری آن‌جا گذاشته شده و به تدریج غنی‌تر خواهد شد. انتظار می‌رود آثانی که به رسانه‌های منطقه و جهان دسترسی و امکان تماس با پارلمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذار در کشورهای مختلف را دارند، با نوشتن مقاله و گزارش، سخنرانی و لابی به این تلاش بپیوندند.

## دبیرکل سازمان ملل: طالبان باید به تشکیل حکومت فراگیر تن دهند



**۸صبح، کابل:** انتونیو گوترش، سرمنشی سازمان ملل، بار دیگر خواستار تشکیل حکومت‌فراگیر با حضور همه اقوام در افغانستان شده است. او روز دوشنبه، ۲۸ قوس، در یک نشست خبری گفته است: «خواستار اولی که طالبان باید به آن تن دهند، ایجاد ساختار فراگیر قدرت است تا تمام اقوام افغانستان در آن سهم داشته باشند.» دبیرکل سازمان ملل همچنان خواستار توقف فعالیت گروه‌های تروریستی ضد پاکستان و دیگر کشورهای منطقه در افغانستان شده است. گوترش افزوده که طالبان باید به فعالیت تمام گروه‌های تروریستی نقطه پایان بگذارند؛ گروه‌هایی که در افغانستان فعال‌اند و تهدیدی برای تمام کشورهای همسایه به حساب می‌آیند.

به گفته او، سازمان ملل روی این موضوع با مقامات طالبان بحث‌هایی نیز داشته است. گوترش تصریح کرده است که طالبان باید برخی از اقدامات روشن را برای برآورده کردن مطالبات جامعه جهانی انجام دهند که در آن منافع افغانستان نیز نهفته است. او در ادامه تأکید کرده که طالبان به آموزش تمام دختران و حقوق زنان، از جمله حق کار آنان احترام بگذارند.

گفتنی است که طالبان بارها از سوی مقام‌های سازمان ملل و کشورهای جهان به تشکیل حکومت فراگیر و رعایت حقوق بشر، از جمله رعایت حقوق زنان فراخوانده شده‌اند، اما این گروه تاکنون گام عملی‌ای را در این راستا برنداشته است.

## طالبان ۱۰ تن را در ولسوالی غوریان هرات در محضر عام شلاق زدند



محضر عام شلاق زده‌اند. به گفته منابع، طالبان این افراد را به اتهام‌های سرقت آثار باستانی، دزدی و خریدوفروش مواد مخدر مجازات کرده‌اند. این در حالی است که طالبان روز گذشته نیز ۲۲ تن را در ولایت جوزجان در محضر عام شلاق زده بودند. طالبان چندی پیش نیز مردی را در فراه قصاص و مقام‌های ارشد طالبان نیز جریان اعدام این فرد را از نزدیک تماشا کردند. پس از آن، طالبان شماری از مردان و زنان را به اتهام‌های مختلف در ولایت‌های پروان، غور و قندهار در محضر عام شلاق زدند. گفتنی است که این عمل طالبان واکنش‌های بین‌المللی را نیز در پی داشته است.

**۸صبح، هرات:** منابع محلی در هرات از شلاق زدن ۱۰ تن در ولسوالی غوریان این ولایت توسط طالبان خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان حوالی ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه، ۲۸ قوس، ۱۰ تن را در ولسوالی غوریان هرات در

### افزایش قاچاق؛

## مسوولان سرحدی طالبان و ایران باهم دیدار کردند



**۸صبح، نیمروز:** منابع محلی در ولایت نیمروز از دیدار مسوولان سرحدی طالبان و ایران خبر می‌دهند. منابع روز دوشنبه، ۲۸ قوس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که مسوولان سرحدی طالبان با علی‌رضا سنچولی، مسوول سرحدی شهر زابل ایران، دیدار و گفت‌وگو کرده‌اند. دو طرف در مسیر پل ابریشم باهم دیدار و در مورد

مسایل سرحدی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان گفت‌وگو کرده‌اند. این دیدار در حالی صورت می‌گیرد که اخیراً قاچاق مواد مخدر و انسان از مرزهای ولایت نیمروز به ایران افزایش یافته است. در طی یک ماه گذشته افزایش درگیری‌های مرزی نیز سبب شده است که چندین تن از مرزبان ایرانی در نوار مرزی با افغانستان کشته شوند.

## حامد کرزی با وزیر خارجه ترکیه دیدار کرد

**۸صبح، کابل:** وزارت امور خارجه ترکیه اعلام کرده است که وزیر امور خارجه این کشور با رئیس‌جمهور پیشین افغانستان دیدار کرده است.

مولود چاووش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، روز دوشنبه، ۲۸ قوس، با نشر توییتی از دیدار با حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین کشور، خبر داده است.

چاووش‌اوغلو در این توییت نوشته است: «ما به همبستگی خود با مردم افغانستان و حمایت از برقراری ثبات در این کشور ادامه خواهیم داد.» این دیدار در ساختمان وزارت امور خارجه ترکیه در انقره، پایتخت ترکیه، انجام شده است.

این در حالی است که آقای کرزی پس از ورود به ترکیه با شماری از سیاست‌مداران افغانستان نیز دیدارهایی داشته است.

گفتنی است که حامد کرزی پس دریافت اجازه خروج از افغانستان از سوی طالبان، در سفرهایی به امارات متحده عربی و آلمان با شماری از چهره‌های سیاسی افغانستان در تبعید دیدار کرده، اما در مورد اهداف دیدارهای خود تاکنون معلومات ارایه نکرده است.



## طالبان در هلمند یک فوتبالیست را کشته

**۸صبح، هلمند:** منابع محلی در هلمند از کشته شدن یک فوتبالیست در این ولایت توسط طالبان خبر می‌دهند.

منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان روز یکشنبه، ۲۷ قوس، یک فوتبالیست را در منطقه عینک ولسوالی ناوه ولایت هلمند به رگبار بسته‌اند.

نام این فوتبالیست نجیب‌الله بوده و حدود ۳۰ سال سن داشته است.

گفته می‌شود که این پسر جوان از فوتبالیست‌های مشهور در ولایت هلمند بوده است. طالبان تا کنون در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند.

شهروندان افغانستان از قتل‌های این چنینی از سوی طالبان نگران هستند.



## رویداد ترافیکی در میدان وردک ۱۴ زخمی برجا گذاشت

**۸صبح، میدان وردک:** منابع محلی از زخمی شدن ۱۴ تن در پی واژگون شدن یک عراده موتر مسافربری در شاهراه کابل - قندهار در مربوطات ولایت میدان وردک خبر می‌دهند.

این رویداد صبح روز دوشنبه، ۲۷ قوس، در ساحه سیاه‌سنگ در مرکز ولایت میدان وردک رخ داده است. این موتر مسافربری از قندهار به‌سوی کابل در حرکت بود.

منابع تأکید می‌کنند که وضعیت صبحی ۴ تن از زخمیان این رویداد وخیم است.

خرابی جاده همواره باعث رویدادهای ترافیکی در شاهراه کابل - قندهار می‌شود. طالبان سه ماه پیش اعلام کردند که کار بازسازی این شاهراه را آغاز کرده‌اند؛ اما مسافران می‌گویند که روند کار به‌کندی پیش می‌رود.

# آن سوی فاجعه ناپید است



۸ صبح، کابل

با گذشت دو شب و سه روز از آغاز آتش‌سوزی‌های مرگبار در تونل سالنگ، طالبان هنوز هم موفق به باز کردن این گذرگاه نشده‌اند. منابع از گیرماندن هزاران مسافر در دو طرف سالنگ‌ها خبر می‌دهند و طالبان را به ناکامی در مهار به‌موقع آتش و پاک‌سازی تونل سالنگ متهم می‌کنند. منابع آگاه به نقل از گواهان رویداد، خاطرنشان می‌سازند که دود و غبار و نبود وسایل پیشرفته آتش‌نشانی سبب شده که گروه نجات طالبان در مهار این آتش ناکام بماند. طالبان اما به‌گونه پیهم اعلام می‌کنند که آتش‌سوزی مهار شده است و به‌زودی گذرگاه سالنگ به روی ترافیک باز خواهد شد. بر بنیاد گزارش‌ها، آتش‌سوزی و انفجارهای پیهم در تونل سالنگ، دست‌کم ۱۰۰ کشته و بیش از ۵۰ زخمی برجای گذاشته است. طالبان آمار تلفات انسانی ناشی از این آتش‌سوزی را کمتر از چهل تن اعلام کرده‌اند. این گروه همچنان در دو روز گذشته مانع حضور خبرنگاران به محل وقوع این حادثه شده‌اند.

هارون، یکی از مسافران شاهراه کابل - مزار است. او با همسر و دو فرزند قد و نیم‌قدش از دو روز به این سو با گذشت دو شب و سه روز از آغاز آتش‌سوزی‌های مرگبار در تونل سالنگ، طالبان هنوز هم موفق به باز کردن این گذرگاه نشده‌اند. منابع از گیرماندن هزاران مسافر در دو طرف سالنگ‌ها خبر می‌دهند و طالبان را به ناکامی در مهار به‌موقع آتش و پاک‌سازی تونل سالنگ متهم می‌کنند. منابع آگاه به نقل از گواهان رویداد، خاطرنشان می‌سازند که دود و غبار و نبود وسایل پیشرفته آتش‌نشانی سبب شده که گروه نجات طالبان در مهار این آتش‌سوزی را کمتر از چهل تن اعلام کرده‌اند. این گروه همچنان در دو روز گذشته مانع حضور خبرنگاران به محل وقوع این حادثه شده‌اند.

**شرافت زمان، سخنگوی وزارت صحت عامه طالبان، روز دوشنبه، ۲۸ قوس، گفته است که تاکنون از آتش‌سوزی سالنگ ۳۱ کشته و ۳۷ زخمی به مراکز صحتی انتقال داده شده‌اند. او گفته است که این آمار نهایی نیست.**

در این خصوص کند است. در حال حاضر زن، مرد، پیر و جوان حتا بیماران در دو طرف گذرگاه سالنگ گیر مانده‌اند. در حال حاضر مردم [مسافران] در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برند، توانایی مالی ندارند که یا دوباره به خانه برگردند و یا در هتل‌ها زنده‌گی کنند. از سوی دیگر هوا خیلی سرد است و کسی توانایی انتظار را ندارد. مسافران گیرمانده در مسیر کابل - مزار خواستار باز شدن هرچه زودتر این گذرگاه به روی ترافیک‌اند. براساس اظهارات گواهان عینی تا عصر روز گذشته (دوشنبه) گروه‌های نجات نتوانسته بودند به عمق تونل برسند تا اجساد قربانیان این آتش‌سوزی را بیرون کنند. این منابع می‌افزایند تا زمانی که آتش به‌گونه کامل خاموش نشود، انتقال اجساد دشوار است. یکی از گواهان رویداد توضیح می‌دهد: «تا عصر امکان داخل شدن به تونل نبود. اکنون جسد‌های زیادی داخل تونل باقی مانده است. بیش از ۲۰۰ نفر تلف شده‌اند. تا نکر گاز و چند موتور زغال‌سنگ در حال سوختن است. وضعیت خراب است. تازه نیروهای وزارت دفاع طالبان رسیده، آتش‌نشانی هم از بغلان آمده. توانش نیست که خاموش کند. تا که آتش خودش به‌شکل عادی خاموش نشود، نمی‌شود. در طرف سالنگ شمالی هم جسد‌های زیادی کشیده شده‌اند.»

وزارت فواید عامه طالبان اعلام کرده که آتش‌سوزی مهار شده و تیم‌های آنان در حال پاک‌کاری ساحه هستند. به گفته مسوولان این وزارت، هرچه زودتر گذرگاه سالنگ به روی رفت‌وآمد باز خواهد شد؛ اما زمان دقیق آن مشخص نشده است. در جریان دو روز گذشته آمارهای متفاوتی از تلفات انسانی ناشی از آتش‌سوزی در تونل سالنگ منتشر شده است. منابع ناوقت روز دوشنبه، ۲۸ قوس، شمار جان‌باخته‌گان این آتش‌سوزی را دست‌کم ۱۰۰

تن عنوان کرده‌اند. به گفته منابع، همچنان بیش از ۵۰ تن زخمی شده‌اند. منابع اضافه می‌کنند که در این آتش‌سوزی بیش از ۳۰ موتور به شمول ۱۶ موتور مسافربری به‌گونه کامل سوخته و طالبان لاشه‌های سوخته موتورها را از داخل تونل به بیرون انتقال داده‌اند. منابع، درباره سرنوشت مسافران این موتورها مسافربری چیزی نمی‌دانند.

طالبان آمار تلفات انسانی این رویداد مرگبار را کمتر از این اعلام کرده‌اند. شرافت زمان، سخنگوی وزارت صحت عامه طالبان، روز دوشنبه، ۲۸ قوس، گفته است که تاکنون از آتش‌سوزی سالنگ ۳۱ کشته و ۳۷ زخمی به مراکز صحتی انتقال داده شده‌اند. او گفته است که این آمار نهایی نیست.

همزمان با این، طالبان به خبرنگارانی که به محل رویداد رفته‌اند، اجازه پوشش این حادثه به‌گونه درست را نداده‌اند. یکی از خبرنگاران که از ذکر نامش در این گزارش خوداری می‌شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که طالبان به آنان اجازه ورود به تونل را ندادند. به گفته این خبرنگار، ظاهراً طالبان تلاش دارند تا جزئیات این رویداد همه‌گانی نشود.

این خبرنگار توضیح می‌دهد: «فاجعه سالنگ به حدی بزرگ است که طالبان حتا اجازه رفتن ما را به محل رویداد ندادند. طالبان به دلیل نامعلوم جزئیات دقیق را همه‌گانی نمی‌کنند. امروز وزیر فواید عامه طالبان خودش در محل وقوع حادثه بود و هیچ کس به شمول خبرنگاران را اجازه رفتن به محل حادثه نمی‌داد.»

گذرگاه سالنگ از شاهراه‌های کلیدی افغانستان است که نه ولایت شمال و شمال‌شرقی کشور را باهم وصل می‌کند. مواد خوراکی و سوخت میلیون‌ها شهروندی که در آن سوی سالنگ شمالی زنده‌گی می‌کنند، از همین مسیر تامین می‌شود. این شاهراه در سال‌های گذشته نیز گواه رویدادهای ناگوار بوده است. با این حال آن‌چه انتقاد شهروندان کشور را برانگیخته، عدم ساخت‌وساز این گذرگاه به‌گونه اساسی است.

شماری از شهروندان می‌گویند که با وصف سرازیر شدن میلیون‌ها دالر در دو دهه گذشته، این شاهراه تاکنون به‌گونه اساسی ساخته نشده است. با این حال، شماری از آگاهان هشدار می‌دهند، در صورتی که شاهراه سالنگ به‌گونه معیاری ساخته نشود، احتمال می‌رود که رویدادهای مشابه در آینده نیز رخ بدهد.

## واکنش‌ها به تغییر نصاب آموزشی؛

# اقدام طالبان خانه‌برانداز و تروریست‌پروری است

امین کاوه

طالبان در جریان یک‌ونیم سال گذشته، دروازه‌های مکتب‌های متوسطه و لیسه را به روی دختران مسدود کرده‌اند. آنان پس از فشارهای داخلی و خارجی مبنی بر بازگشایی مکتب‌های دخترانه، استدلال کرده‌اند که با تغییر نصاب آموزشی، دروازه‌های مکتب‌ها به روی دختران باز خواهد شد. مقام‌های وزارت معارف طالبان از این پیش‌خاطرنشان ساخته بودند که نصاب آموزشی زیر کار است و به‌زودی بازنگری خواهد شد، اما جزئیات تغییرات را تاکنون همه‌گانی نساخته‌اند.

اکنون روزنامه ۸ صبح به گزارش «کمیته بازنگری نصاب مکاتب عصری» طالبان دست یافته که در آن طالبان علاوه بر حذف برخی از مضامین آموزشی، ملاحظه‌ها و پیشنهادهایی را در مورد محتوای کتاب‌ها مبتنی بر ایدئولوژی خود ارائه کرده‌اند. با این حال شماری از آموزگاران، سیاستمداران، نهادهای حقوق بشری و شهروندان کشور این اقدام طالبان را «خانه‌برانداز و تروریست‌پروری» توصیف می‌کنند و از جامعه جهانی می‌خواهند که با آوردن فشارهای مضاعف بر طالبان، مانع تطبیق این سیاست شوند.

گزارش تحقیقی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که اعضای کمیته بازنگری نصاب مکاتب عصری طالبان قصد دارند «خون‌ریزی و نفرت» را وارد نصاب آموزشی کشور بسازند. براساس این گزارش، طالبان حذف تصاویر ذی‌روح، تشویق به جهاد، نفی مردم‌سالاری و حقوق بشر، ستیز با جهان غیراسلام، بیگانه‌پنداری اهل تشیع، منع تجلیل نوروز، حذف تصاویر و معلومات دانشمندان غربی را از مهم‌ترین نکات مورد بازنگری نصاب آموزشی خوانده و به رهبری این گروه پیشنهاد

کرده‌اند که موارد یادشده حذف شود. این گزارش با واکنش‌های تند و گسترده سیاستمداران، فرهنگیان و بیشتر شهروندان کشور مواجه شده است. شماری از سیاستمداران این تغییرات را «انقلاب ارتجاعی و تقلیل‌زنی به شیء» نامیده‌اند.

### واکنش آموزگاران

بانو کریمی، آموزگار یکی از مکتب‌های دولتی در هرات است. او می‌گوید که یافته‌های گزارش روزنامه ۸ صبح از نصاب آموزشی طالبان، برایش تکان‌دهنده بوده است. او تاکید می‌ورزد که شهروندان افغانستان خواستار غیرسیاسی شدن نصاب آموزشی معارف‌اند. این آموزگار می‌افزاید: «خواست مردم افغانستان این است که نصاب تعلیمی و یا کتب درسی وزارت معارف باید به‌شکل گذشته باشد. مطالب و محتوای کتاب‌ها حذف نگردد. برای رشد و پیشرفت یک جامعه تمرکز باید روی معارف همان کشور باشد. زمانی یک کشور به رشد ذهنی و فکری دست می‌یابد که دانش‌آموزان دانش امروزی و بشری را بیاموزند.» به گفته او، بسیاری از کتاب‌هایی که در سال جاری از مرکز به ولایات ارسال شده، به دلیل درج عکس زنان، اجازه توزیع نیافته است. شمایل (نام مستعار) آموزگار دیگری در شهر کابل است. او می‌گوید که تغییر نصاب کنونی با وجود داشتن کلیشه‌های ضد زن در شرایط موجود «غنیمت» بوده است. به گفته او، اگر تغییرات مورد نظر طالبان عملی شود، کشور عملاً معیارهای آموزش مدرن را از دست می‌دهد. این آموزگار به این باور است که تغییر نصاب با پیشنهاد‌های کنونی برای معارف کشور و نسل‌های

آینده نگران‌کننده و ویرانگر است. او از مردم افغانستان و جامعه جهانی می‌خواهد که در قبال این سیاست طالبان بی‌تفاوتی اختیار نکنند و نگذارند افغانستان به گذشته تاریک‌تر برگردد.

### کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از تغییر نصاب آموزشی توسط طالبان به‌شدت ابراز نگرانی کرده است. نعیم نظری، سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح، این‌گونه تغییر نصاب آموزشی را «نهادینه‌سازی تفکر خشونت و ترور» عنوان می‌کند. آقای نظری معتقد است که این تغییر «می‌تواند اثرات بی‌نهایت منفی بر برابری آموزش و پرورش و نسلی که از این نصاب بهره می‌گیرد، داشته باشد.» از نظر سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، با شناختی که از ماهیت گروه طالبان وجود دارد، انتظار کار بهتر از آن‌ها نمی‌رود. او می‌گوید این مسوولیت جوامع ملی و بین‌المللی است که نگذارند بیشتر از این شاهد تغییرات منفی در عرصه‌های مختلف زنده‌گی جمعی باشیم.

آقای نظری پیامدهای تغییر نصاب آموزشی از سوی طالبان را نگران‌کننده می‌خواند و می‌گوید که این اقدام طالبان می‌تواند «تفکرات تروریستی و خشونت‌محور را نهادینه سازد، سبب تفرقه بزرگ ملی در درون اجتماع ملی افغانستان شود، مناسبات افغانستان را با جامعه بین‌المللی بیشتر مختل سازد، کرامت انسانی را به چالش بکشاند و فرصت‌ها را برای زنده‌گی انسانی محدود و محدودتر کند.» سرپرست کمیسیون مستقل

حقوق بشر افغانستان می‌افزاید: «ما جداً نگران هستیم و از ساختارهای مهم بین‌المللی مثل یونسف، یونسکو و سایر نهادهای سازمان ملل که در زمینه فعال‌اند، می‌خواهیم که بر سیاست‌گذاران جامعه بین‌المللی فشارهای بیشتر وارد کنند.» آقای نظری خواستار بازتعریف مناسبات جامعه بین‌المللی با طالبان است و تاکید می‌ورزد: «مناسبات جامعه بین‌المللی یک بار دیگر بازتعریف شود و فشارهای زیادتری بر این گروه وارد گردد تا نتوانند با تغییر منفی در نصاب تعلیمی، برای نهادینه‌سازی خشونت، دیگرانگاری و اندیشه‌های ضد حقوق بشر و ضد دموکراسی، چالش‌های بیشتری را فراراه توسعه و ترقی مردم و کشور ما خلق کنند. این تصمیم طالبان می‌تواند اثر منفی برای کشورهای منطقه و جامعه جهانی نیز داشته باشد.»

سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این باور است که طالبان در این مدت به هیچ‌یک از مطالبات «جامعه ملی و بین‌المللی» پاسخ مثبت ارائه نکرده است. او ابراز تاسف می‌کند که جامعه بین‌المللی در چنین وضعیت ناگوار هم با توجه به سازوکارهایی که در نظام بین‌المللی وجود دارد، اقدام قابل قبولی نمی‌کند.

آقای نظری تاکید می‌ورزد که جامعه بین‌المللی در سطح شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر و سایر ساختارهایی که در این زمینه وجود دارد، می‌تواند گام‌های موثر در راستای پاسخ‌گوسازی طالبان بردارد. او می‌افزاید: «متأسفانه تاکنون توقع مردم افغانستان از جامعه بین‌الملل برآورده نشده و به قضیه افغانستان صرفاً و صرفاً از دید منفعت سیاسی قدرت‌های بزرگ، نگریده می‌شود و حقوق بشر، ارزش‌های دموکراتیک و موضوعاتی که برای تامین نظم امنیت بین‌المللی پایه‌ای و ریشه‌ای شناخته می‌شود، کمتر مورد توجه ساختارها و سیاست‌گذارهای بین‌المللی قرار می‌گیرد. این‌گونه رویکردها، سخت نگران‌کننده است.»

ادامه در صفحه ۵

## استعمار طالبانی؛

زغال سنگ با نرخ صادرات به پاکستان  
بالای شهروندان فروخته می شود

فضل احمد

**فروش منابع طبیعی به ارزانترین نرخ به کشورهای دیگر، صدمه زدن به معادن و زیرساخت‌های آن، پخش اضرار استخراج در بین مردم، تهدید صحت و حیات کارگران معادن، تهدید صحت و حیات مردم محل و باشنده‌گان و زمین‌داران مسیر انتقال، از بین رفتن سرک‌ها، عدم مصرف عاید آن در پروژه‌های انکشافی محلی و برهم خوردن ایکوسیستم از عوارض فوری استخراج بی‌رویه و کنترل نشده معادن توسط طالبان است.**

سهامی و مذهبی، هیچ وقت از این منابع مستفید نشده‌ایم. خصوصاً شهروندانی که ضرورت زیاد به کمک دارند، باید از این عواید کمک نقدی منظم دریافت کنند. در ایران برای هر فرد مستحق ایرانی معادل ۲۰۰ دالر ماهانه از فروش نفت پرداخت می‌شود. از سوی دیگر، نفت با تخفیف بیشتر از ۵۰ درصد برای همه مردم کشورشان مهیا است؛ چون در دیگر کشورها حکومت‌هایشان آمده‌اند که کم یا زیاد برای مردم و کشورشان هم کار کنند. بنابراین، طالبان اگر مانند دیگر حکومت‌های خود را تمام شهروندان بالای ۱۸ سال را در یک دیتابیس راجستر و همه مستحقان، محصلان و بیکاران را از درآمد داخلی و منابع خود مردم ماهانه تمویل کنند. همچنان برای کسانی که در تولید مواد خام یا پخته در داخل کشور ضرورت به زغال سنگ دارند، باید نظر به مصرف‌شان در بدل قیمت استخراج و ترانسپورت، زغال بدون پروسه‌های طولانی توزیع شود. فروش زغال سنگ بدون پروسس برای تسخین منازل در شهرها را منع و مقدار مصارف داخلی مملکت را تثبیت کنند و سپس به قیمت ترانسپورت برای شرکت‌های پروسس زغال سنگ بفروشند. این شرکت‌ها به قیمت ثابت تعیین شده از طرف رژیم، برای مردم زغال پروسس شده را عرضه کنند. در غیر آن شاید سال‌های زیادی زمستان با سردی به طرف ما و زغال سنگ به طرف پاکستان در حرکت باشد. آن‌ها از زغال سنگ ما سمنت بسازند و ما با آن سمنت دیوارهای قبر برای رفته‌گان زمستانی خود آماده کنیم. در اخیر یادآور می‌شوم که طالبان باید استخراج بی‌رویه معادن را هرچه زودتر متوقف کنند و این تجارت زیر نظر متخصصان آن با رعایت استانداردهای ملی و بین‌المللی صورت گیرد. در کشور ما ده‌ها نوع معدن در حال استخراج، تخریب، از بین رفتن و غارت است و در صورت بی‌توجهی، رژیم طالبان مسوول تمام بدبختی‌های آینده خواهد بود.

قدرت خرید مواد سوخت منازل خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند دیگر زغال سنگ بخرند. با سرد شدن زیادتر هوا، این معضل شاید جان انسان‌های زیادی را بگیرد و رژیم طالبان مسوولیت آن را به گردن کرنا خواهد انداخت. طالبان در این اواخر تصمیم گرفته‌اند که برای «مردم مستحق» (با معیارهای نداشته خود این گروه) زغال سنگ را بعد از یک پروسه وقت‌گیر و تصدیق‌های وکیل کوچک، وکیل منطقه، ملای مسجد و رییس ناحیه مربوطه، به قیمت ۹۰۰۰ افغانی فی تن بفروشند. این پروسه دو تا سه هزار افغانی دیگر در ترانسپورت و رفت‌وآمد مصرف دارد و در آخر معادل قیمت فروش به کشورهای همسایه می‌شود (۱۲۰۰۰ افغانی). این در حالی است که معاش یک مامور دولت هشت هزار افغانی است و با آن یک تن زغال سنگ به خانه ببرد. آیا ما مردم آن‌قدر گنه‌کاریم که در حال مرگ از سردی هم دولت نمی‌تواند از منابع طبیعی ما دو تن زغال رایگان برای هر خانواده در سال بدهد؟ در کشوری که تو به خاطر نبود دو تن زغال سنگ از منابع طبیعی خودت بمیری و نظام حاکم بدون پرداخت آن را برایت فراهم نکند، شک کن که تو از این کشور نیستی و بیگانه حساب می‌شوی. بنابراین، راه فرار را در پیش گیر. وقتی کودک بودم، از پدرکلام می‌پرسیدم که انگلیس‌ها در هند چگونه مردم را استعمار می‌کردند. برابرم می‌گفت که شیر گاو هندی‌ها را در ظرف انگلیسی انداخته و بالای خودشان می‌فروختند. خداوند ایشان را مغفرت کند، اگر امروز زنده می‌بود و همان سوال را می‌پرسیدم، شاید می‌گفت استعمار خرید یک تن زغال سنگ از منابع طبیعی خود ما به قیمت ۱۲ هزار افغانی است. در تمام کشورهای دنیا مردم به شکلی از فروش منابع طبیعی خود مستفید می‌شوند، ولی ما همیشه به خاطر داشتن حکومت‌های مفسد، حزبی، قومی،

زغال سنگ در حرکت بوده‌ام که از این موترها زغال در محیط منتشر می‌شد. حتا مسیره‌های خامه‌ای که در آن لاری‌های زغال سنگ حرکت می‌کنند، رنگ کاملاً سیاه را به خود گرفته‌اند. همه می‌دانیم که انتشار زغال سنگ در زمین‌های زراعتی، باعث می‌شود که هیچ نباتی ابدأ در آن نروید. وقتی مردم عام افغانستان با خطرات نبود پلان کنترل اضرار، عدم مصونیت کاری و زمان بیکاری و نبود رفاه اجتماعی مواجه‌اند، پس استخراج و فروش غیرتخنیک و بی‌رویه معادن به کشورهای همسایه، چه مفادی به بار خواهد آورد؟ چرا به جز اضرار برای مردم چیزی نمی‌ماند؟ فروش منابع طبیعی به ارزانترین نرخ به کشورهای دیگر، صدمه زدن به معادن و زیرساخت‌های آن، پخش اضرار استخراج در بین مردم، تهدید صحت و حیات کارگران معادن، تهدید صحت و حیات مردم محل و باشنده‌گان و زمین‌داران مسیر انتقال، از بین رفتن سرک‌ها، عدم مصرف عاید آن در پروژه‌های انکشافی محلی و برهم خوردن ایکوسیستم از عوارض فوری استخراج بی‌رویه و کنترل نشده معادن توسط طالبان است. عمده‌ترین قلم صادراتی معادن افغانستان، زغال سنگ است که قبلاً منبع عمده تسخین منازل در هوای سرد و انرژی برای تولید مواد ساختمانی در داخل کشور بود. زغال سنگ در زمان حکومت‌های چپ برای مردم به قیمت کرایه انتقال آن توزیع می‌شد و برای ماموران دولت رایگان بود. در زمان مجاهدین و جمهورییت قیمت یک تن زغال سنگ حدوداً سه تا چهار هزار افغانی بود. بلند رفتن قیمت انرژی در سطح بین‌المللی و فروش زغال سنگ به همسایه جنوبی، باعث بلند رفتن قیمت آن نظر به سال‌های گذشته در مارکیت شد. وقتی قیمت آن بلند رفت، شهروندان در دو بخش تسخین منازل و تولید انرژی در پروژه‌های تولید، به چالش کشیده شدند و تعداد زیادی از فابریکه‌های تولیدی بسته شده و مردم عام خرید آن را از دست داده‌اند. زمستان در راه است، ولی درصدی بلندی از مردم

طالبان بعد از به قدرت رسیدن، تلاش‌های زیادی را برای استخراج و فروش منابع طبیعی به کار انداخته‌اند و قسمت زیادی از مصارف خود را از این طریق تامین می‌کنند. آن‌ها قبل از به قدرت رسیدن در افغانستان نیز سهم خود را به شکلی از اشکال زیر نام عشر و زکات از قراردادی‌های معادن و پروژه‌های انکشافی می‌گرفتند. بعد از به قدرت رسیدن، همه امکانات تخنیک و سیاسی را به کار بستند تا معادن را استخراج و عمدتاً به پاکستان صادر کنند. آن‌ها در این مسیر سعی کردند دست سکتور خصوصی را از فعالیت کوتاه کنند، اما امکانات زیادی نداشتند. اگر رژیم‌شان امکانات لازم را می‌داشت، مانند فعال ساختن سیلواها و تولید نان خشک، کلچه و روت که باعث کاهش کار نانواها و شرکت‌های تولید روت و کلچه در سکتور خصوصی شد، دست سکتور خصوصی را در فروش منابع طبیعی هم کوتاه می‌کردند. بخشی از سکتور خصوصی که فعال است، شاید در خفا رابطه‌های نزدیک با مقام‌های طالبان از قبل داشتند. بنابراین، قراردادهای به ضمیمه سهولت‌های تخنیک با شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد و هیچ استندرد ملی و بین‌المللی مد نظر گرفته نمی‌شود. این روند شاید در کوتاه‌مدت به نفع رژیم طالبان و سکتور خصوصی باشد، ولی در درازمدت به ضرر مردم، کشور، معادن، منافع ملی و حتا رژیم طالبان خواهد بود. اگر قراردادهای امضاشده در زمان طالبان را مرور کنیم، به‌ساده‌گی دیده می‌شود که بعضاً یک کلمه هم در مورد سطح معاش و بیمه صحتی کارگران، مصونیت اهالی منطقه و اطراف معادن، جلوگیری از استخراج بی‌رویه معادن، پلان مدیریت خطر معادن، اعمار زیربنا برای مردم اطراف معادن، ایجاد مراکز صحتی و نماینده‌گی‌های بیمه، ترانسپورت استندرد برای انتقال مواد کیمیای از معادن تا بنادر، تامین ایکوسیستم معادن و اطراف آن ذکر نشده است و اگر کلماتی هم ذکر شده است، در ساحت عمل از آن چشم‌پوشی می‌شود. چندین بار در سرک‌های عمومی شخصاً در عقب موتروهای

# سینه‌وبغل در ۱۱ ماه جان حدود دو هزار کودک را گرفته است



۸ صبح، کابل

همزمان با سرد شدن هوا، شمار مبتلایان به بیماری‌های فصلی از جمله نمونیا (سینه‌وبغل) در ولایت‌های سردسیر کشور افزایش یافته است. بیشتر مبتلایان به این بیماری را کودکان زیر سن پنج سال شکل می‌دهند. بر بنیاد آمار وزارت صحت عامه زیر اداره طالبان، این بیماری در دو سال پسین سیر صعودی را پیموده است. طبق این آمار، در یازده ماه گذشته بیش از ۹۶۰ هزار کودک به این بیماری مبتلا شده‌اند. همچنان نزدیک به دو هزار کودک در سراسر کشور در پی ابتلا به این بیماری جان باخته‌اند. بر بنیاد اظهارات داکتران، با سرد شدن بیشتر هوا شمار ابتلا به این بیماری فصلی ممکن افزایش یابد. از دید آنان، برای جلوگیری از ابتلا به این بیماری و کاهش مرگ‌ومیر ناشی از سینه‌وبغل، نیاز است دمای خانه‌ها گرم نگهداری شود، کودکان تغذیه سالم شوند و در هنگام بیرون شدن از خانه ماسک استفاده کنند. داکتران همچنان توصیه می‌کنند که افراد مبتلا به این بیماری فصلی به‌ویژه کودکان باید هرچه زودتر به مراکز صحتی آورده شوند. تب، بی‌اشتهایی، سرفه‌های شدید، بندش سیستم تنفسی، کبود شدن ناخن‌ها و لب‌های کودک از علائم بارز این بیماری شناخته می‌شود.

از سویی هم، آلودگی هوا و سوختاندن اشیای دودزا به منظور گرم ساختن خانه‌ها از علت‌های دیگر ابتلا به این بیماری فصلی عنوان شده است. شمار ابتلا به این بیماری در بزرگ‌شهرها بیشتر است؛ زیرا آلودگی هوا از علت‌های اصلی شیوع این بیماری است.

**این کمیته اعلام کرده که در یک سال پسین به علت افزایش فقر در این کشور موارد سوءتغذیه کودکان از ۳۳ هزار به ۶۶ هزار افزایش یافته است. این آمار در مقایسه با سال قبل افزایش ۹۰ درصدی را نشان می‌دهد. با این حساب، یکی از دلایل افزایش بیماری‌های فصلی به‌ویژه سینه‌وبغل، پایین آمدن سطح مقاومت کودکان به دلیل عدم دسترسی به تغذیه سالم پنداشته می‌شود.**

مسوولان در شفاخانه صحت طفل «اندرآگاندی» در کابل تایید می‌کنند که روزانه دست‌کم ۳۰ بیمار مبتلا به سینه‌وبغل در این شفاخانه بستری می‌شوند و هم‌اکنون شمار بستری‌ها بیش از ظرفیت این مرکز صحتی است. محمداقبال صادق، سرطیب شفاخانه صحت طفل، به رسانه‌ها گفته است: «ما در این شفاخانه ۳۶۰ بستر داریم، اما فعلاً شمار بیماران داخل بستر ما به بیش از ۵۰۰ تن می‌رسد و این‌ها از ولایت‌های مختلف هستند.»

در همین حال، شماری از پای‌وازی که برای درمان بیمارشان به این شفاخانه آمده‌اند، از نبود دارو و جای مناسب برای مراقبت از بیماران‌شان شکایت دارند. آنان می‌گویند که به علت کمبود جای در هر بستر دو تا سه بیمار بستری‌اند.

فضیله، مادر سه کودک است. او برای درمان پسر یک‌ساله‌اش از ولایت کاپیسا به این شفاخانه آمده است. خانم فضیله به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «بچه‌ام بیست روز پیش بیمار شد. از کلینیک قریه برش دوا گرفتم، خوب نشد. باز بردمش پیش یک داکتر دیگر. او که دید، گفت طفل‌تان را کابل ببرید، سینه‌وبغل شدید است. حالی یک هفته شد که بستر کرده‌ایم، کمی خوب شده. داکتران می‌گویند که یک هفته دیگر هم بستر باشد.» فضیله درباره کمبود دارو و پزشک در این شفاخانه می‌افزاید: «در این چپرکت با بچه من دو طفل دیگر هم بسترنده. مریض زیاد است. صبح و شام داکتر می‌آید و می‌بیند بر یگان مریض نوبت نمی‌رسد.»

شیرمحمد، بیماردار دیگری است که از ولایت پکتیا برای درمان نواسه‌اش به این شفاخانه آمده است. او حدود ۱۲ روز است که برای صحت‌یابی نواسه سه‌ساله‌اش لحظه‌شماری می‌کند. شیرمحمد با چهره پریشان و مضطرب در بیرون از درب شفاخانه منتظر است. او به علت نبود جای مناسب برای پای‌وازان بیمار و ازدحام بیش از حد در این شفاخانه، لحظات دشواری را سپری می‌کند. شیرمحمد به علت نبود امکانات صحتی در شفاخانه‌های پکتیا، نواسه بیمار را که مصاب به سینه‌وبغل است، به شفاخانه صحت طفل اندراگاندی در شهر کابل آورده است. او می‌افزاید: «از مجبوری به کابل آورده‌ایم. اگر در ولایت ما شفاخانه خوب می‌بود، این قدر به زحمت نمی‌شدیم. خداوند مهربان است که به‌خیر خلاص شویم و دوباره برگردیم. این‌جا هم بیروبار زیاد شده، توکل به خدا شاید دو سه روز دیگر هم بمانیم.»

در همین حال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان با نشر خبرنامه‌ای از افزایش بیماران مبتلا به سینه‌وبغل در کشور ابراز نگرانی کرده و افزوده است که فقر و تنگ‌دستی مردم باعث افزایش این بیماری شده است. از دید مسوولان این کمیته، سطح فقر در افغانستان نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است و بیشتر شهروندان این کشور نمی‌توانند برای گرم نگه‌داشتن خانه‌ها مواد سوخت خریداری کنند. این کمیته اعلام کرده که در یک سال پسین به علت افزایش فقر در این کشور موارد سوءتغذیه کودکان از ۳۳ هزار به ۶۶ هزار افزایش یافته است. این آمار در مقایسه با سال قبل افزایش ۹۰ درصدی را نشان می‌دهد. با این حساب، یکی از دلایل افزایش بیماری‌های فصلی به‌ویژه سینه‌وبغل، پایین آمدن سطح مقاومت کودکان به دلیل عدم دسترسی به تغذیه سالم پنداشته می‌شود.

بر بنیاد آمارهای ارایه‌شده، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای ارایه کمک‌های حیاتی به شهروندان افغانستان ۳۳ شفاخانه را با ظرفیت بیش از هفت هزار بستر حمایت می‌کند. براساس معلومات این کمیته، این حمایت شامل پرداخت مصارف طبی، هزینه‌های روزمره و معاش نزدیک به ۱۰ هزار و ۵۰۰ کارمند صحتی است که یک سوم آنان را زنان شکل می‌دهند. گفتنی است که سینه‌وبغل از بیماری‌های انتانی است که از طریق سیستم تنفسی فرد را مصاب می‌کند. با سرد شدن هوا، واقعات مثبت این بیماری افزایش می‌یابد. آمارهای موجود نشان می‌دهد که در یازده ماه گذشته دست‌کم یک هزار و ۷۹۵ بیمار در اثر این بیماری جان باخته‌اند. بیشتر این بیماران کودک بوده‌اند.

## واکنش‌ها به...

### سیاست‌مداران و دیپلماتان

دکتر رنگین دادفر اسپنتا، وزیر امور خارجه و مشاور پیشین جمهوری اسلامی افغانستان، این اقدام طالبان را «مدرسه انتحاری پرور» توصیف کرده است. آقای سپنتا در توییتی نگاشته است: «ما با یک انقلاب عظیم ارتجاعی روبه‌رو هستیم؛ انقلابی که جامعه را هزار سال به عقب خواهد برد. با طرح بدوی‌ترین باورها زنان جامعه را به شئ تقلیل دادند و حال با این نصاب تعلیمی یک جامعه را تا سطح یک مدرسه انتحاری پرور تقلیل می‌دهند.» مشاور امنیت ملی سابق افغانستان تاکید کرده است: «فرزندان ما به کسب دانش‌های امروزی و بشری نیاز دارند.»

منیژه باختری، سفیر افغانستان در اتریش، این اقدام طالبان را «دست‌کاری مزدورانه نصاب تعلیمی و تحصیلی» به سود یک ایدیولوژی خاص خوانده است. خانم باختری افزوده است: «یکی از شاخصه‌های نظام استبدادی و عقب‌گرا، تغییر و دست‌کاری مزدورانه نصاب تعلیمی و تحصیلی به نفع یک ایدیولوژی یا تفکر است.» سفیر افغانستان در ناروی می‌افزاید: «طالبان با تغییر نصاب تعلیمی مکاتب، دست به توزیع عادلانه چهل می‌زنند و با همگون‌سازی نصاب با تفکرات نادرست و دور از ارزش‌های انسانی، خطر تربیت خوشونت‌بار نسل‌های آینده افغانستان را به میان می‌آورند.» خانم باختری تاکید ورزیده است: «شاگردان و دانشجویان حق دارند دانش و علم را به دور از هر گونه ایدیولوژی از جمله تفکرات سلفی، دیوبندی، بنیادگرایی و افراطیت بیاموزند. حذف یک‌سری مضامین از نصاب درسی، جفایی بزرگ به اطفال و جوانان است. تعلیمات مدنی و فرهنگ از مضمون‌های مهم و جامعه‌سازند و هنر رسامی صورت ظریف و قشنگ استعداد انسانی است که در استحاله انسان از حیوانیت به آدمیت نقش مهم و شگرفی داشته است.»

سفیر افغانستان در اتریش افزوده است: «خصوصیت با عکس زنده‌جان، مجسمه‌ها و لباس‌های رسمی و بیگانه‌هراسی، ریشه در بلاهت کژفهمی از درک درست هنر، فرهنگ و تاریخ دارد.» او حذف تصاویر اناتومی بدن انسان و تشویق دانش‌آموزان به جنگ و خون‌ریزی و خشونت را نگران‌کننده خوانده است. خانم باختری گفته است که «طالبان با فروکاست هنر، مدنیت و تعاملات مثبت انسانی به ضد ارزش‌ها با سرنوشت میلیون‌ها شهروند افغانستان و با فرهنگ و هنر و انسانیت و بالاخره با تبسم شادی و زنده‌گی ستیزه‌جویی می‌کنند.»

باری سلام، مشاور وزارت خارجه حکومت پیشین، در واکنش به طرح تغییر نصاب آموزشی معارف از سوی طالبان گفته است: «با خواندن این گزارش، خواب از چشم‌تان خواهد پرید و آرزو خواهید کرد که ای کاش طالبان پسران را نیز از مکتب خواندن و دانشگاه رفتن منع کنند.»

شماری از رسانه‌های فارسی‌زبان نیز گزارش روزنامه ۸ صبح را انعکاس داده‌اند. افغانستان انترنشنال با تدویر برنامه‌های تلویزیونی و گزارش‌های خبری این موضوع را به‌شکل ویژه پوشش داده است. بی‌بی‌سی فارسی و روزنامه اطلاعات روز که اکنون در تبعید فعالیت می‌کند، نیز یافته‌های این گزارش تحقیقی را انعکاس داده‌اند.

### افغانستان انترنشنال

شبکه تلویزیونی «افغانستان انترنشنال» با نشر گزارشی زیر نام «نسخه طالبان برای مکاتب؛ آموزش ترس و پرورش مرگ» گفته است که بسیاری از مردم آرزو می‌کنند مکتب‌ها بسته بماند؛ زیرا از فرستادن کودکان‌شان به مکتب‌های زیر مدیریت طالبان هراس دارند. در گزارش گفته شده که علاوه بر حذف برخی از

مضامین، بخش‌هایی از مفاهیم علمی و تاریخی «جعل» شده است. سردار محمد رحیمی، معین وزارت معارف حکومت پیشین، در گفت‌وگو با افغانستان انترنشنال گفته است: «آن‌ها [طالبان] نصاب آموزشی معارف افغانستان را به‌گونه‌ای شکل می‌دهند که نسل‌های آینده ما به‌گونه‌ای پرورش پیدا کنند که مفکوره‌های طالبانی و رادیکال داشته باشند. تهدید اصلی این‌جا است که اگر این نصاب آموزشی در افغانستان اعمال شود، برای آینده افغانستان دیگر نمی‌توان امید داشت.»

### بی‌بی‌سی فارسی

بی‌بی‌سی فارسی برخی از یافته‌های روزنامه ۸ صبح را در گزارش خبری خود بازتاب داده است. در گزارش بی‌بی‌سی فارسی به نقل از بازرس ویژه امریکا در بازسازی افغانستان که در گزارش ۸ صبح نیز آمده، گفته شده است: «کمیسیون آموزشی طالبان روشن می‌کند که این گروه در صدد آوردن تغییرات آموزشی با هدف حذف آن‌چه که نفوذ خارجی می‌داند، از برنامه درسی مکاتب افغانستان است.» بی‌بی‌سی به نقل از وزارت خارجه امریکا گفته است: «این وزارت هنوز هیچ شواهدی دال بر تدوین برنامه درسی طالبان در دست ندارد.»

### اطلاعات روز

روزنامه «اطلاعات روز» که در حال حاضر در تبعید فعالیت می‌کند، یافته‌های روزنامه ۸ صبح از نصاب آموزشی طالبان را در گزارش خبری خود منتشر کرده است. اطلاعات روز به نقل از گزارش کمیته بازنگری نصاب مکاتب عصری طالبان نوشته است که نصاب آموزشی کنونی «زیر نظر اداره دست‌نشانده کابل» ساخته شده و باید تغییر کند. در این گزارش آمده است که تغییرات طالبان «روند عینی جهاد، جنگ و ویرانی کشور تعبیر شده است.»

### واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی

شمار زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی یافته‌های روزنامه ۸ صبح از نصاب آموزشی طالبان را «منشور ظلمت» می‌خوانند. این کاربران با راه‌اندازه هشتگ «نه به منشور ظلمت» بخش‌هایی از یافته‌های گزارش روزنامه ۸ صبح را به اشتراک گذاشته و تاکید دارند که نباید از کنار آن به‌ساده‌گی گذشت. سیدنجیب‌الله مصعب، یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی، با شریک تصویری از صفحه اول گزارش «کمیته ارزیابی نصاب عصری مکاتب» طالبان، گفته است: «این سند مانیفیست یک تبعیض، تحجر و تروریسم سازمان‌یافته است. نباید از کنار این اقدام طالبان به ساده گذشت. این سند پایه کابوس خانه‌برانداز است.»

زرقا یفتلی، از فعالان حقوق زن، نیز در این مورد واکنش نشان داده است. او در برگه فیس‌بوکش نگاشته است: «آن‌چه گروه افراطی طالب برای نظام آموزشی کشور در نظر گرفته، تربیت یک نسل تروریست، خشونت‌طلب و ضد زن، ضد آزادی و ضد تمام ارزش‌های انسانی و مدنی خواهد بود. زبان عملی شدن این نوع نظام آموزشی، بیشتر از بسته بودن مکاتب خواهد بود.»

شمار زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در این مورد واکنش نشان داده و گفته‌اند که نصاب آموزشی باید برای دانش‌آموزان تربیت سالم و احترام به فرهنگ‌های متنوع را آموزش بدهد و دانش‌آموزان بایسته‌های حقوقی و قانونی را فرا بگیرند. به باور شهروندان، این اقدام طالبان می‌تواند افراطیت را در جامعه ترویج دهد و بستر بنیادگرایی دینی را گسترش دهد. از نظر این شهروندان، نصاب آموزشی باید دانایی و آگاهی را تعمیم بدهد و این امر در نظام آموزشی باکیفیت و مجهز با دانش مدرن ممکن و میسر است.

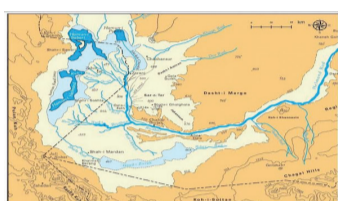
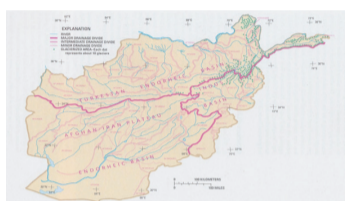
# عوامل تنش آبی افغانستان و ایران



فداحسین حسینی

آبی به دلیل تغییر مسیر، ناپایداری و تغییرپذیری اساساً چالش‌زایند، این نوع مرزها در اثر سیلاب‌ها و کم‌آبی‌ها می‌توانند سبب اختلاف حاد در میان مدت و بلندمدت شوند. از آنجایی که تغییرات اقلیمی و کم‌آبی دور از تصور نیست، این امکان در آینده نه‌چندان دور وجود دارد. در ادامه نقشه مرز آبی دو کشور می‌آید:

دو کشور را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که مرزهای آبی یکی از ناپایدارترین انواع مرزها محسوب می‌شود و بدان جهت که مرز دو کشور روی دریا است، دیر یا زود در اثر سیرابی و پرابی یا خشک‌سالی می‌تواند تنش بر سر تعیین محدوده مرزی را پدید آورد. در ادامه نقشه مرز آبی دو کشور می‌آید:



## برآمد

آب و منابع آبی مشترک میان افغانستان و ایران در طول تاریخ روابط خارجی دو کشور به‌عنوان عامل واگرایانه و اختلافی عمل کرده است (از یک‌سو تنش‌های بالقوه دو کشور روی تقسیم و بهره‌برداری آب‌های مشترک و از طرف دیگر امکان تنش ناشی از تعیین و تحدید حدود سرزمینی). اما در صورت مدیریت درست، صحیح و بهینه از منابع آبی مشترک، امکان استفاده به‌عنوان اهرم و ابزاری در دستگاه سیاست خارجی افغانستان وجود دارد. از آنجایی که افغانستان از مزیت بالادست بودن از لحاظ سرچشمه‌های آبی برخوردار است، به آن کشور این امتیاز را می‌دهد که از آب به‌عنوان ابزار و کارشویه امتیازگیری در سیاست خارجی جهت حل معضلات از جمله مساله مهاجران افغان در خاک ایران استفاده کند؛ کاری که ظاهراً هیچ‌گاه در انجام آن موفق ظاهر نشده‌ایم.

**دریای هری‌رود به‌عنوان عامل تنش**  
خلاف موجودیت توافق‌نامه روی حق‌آبه هلمند در مورد رودخانه هری‌رود، هیچ توافقی روی چگونه‌گی بهره‌برداری از آب میان دو کشور وجود ندارد. دریای هری‌رود از ارتفاعات مرکزی افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به سمت ایران و ترکمنستان ادامه می‌یابد. این حوزه آبی بین سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان مشترک است. در دو دهه اخیر به‌ویژه با احداث سد‌ها روی دریای هری‌رود، اختلافاتی در روابط کشورها به وجود آمده است. با سدسازی‌ها در خاک افغانستان، میزان آب سرازیرشده به ایران و ترکمنستان کاهش یافته و این امر سبب نگرانی‌های ایران شده است.

آنچه به‌عنوان تنش بالقوه وجود دارد، مرز آبی افغانستان و ایران روی دریای هری‌رود است. دو کشور دارای حدود ۱۰۷ کیلومتر مرز آبی در حوزه هری‌رود هستند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، بدان جهت که مرز

پدید آمد. علاوه بر آن، نوسان‌ها، خشک‌سالی‌ها، کم‌آبی‌ها، سیلاب، سدسازی‌ها، تغییر جریان آب، کانال‌سازی‌ها و... از مواردی است که نگرانی هر دو طرف را به همراه داشته است. امکان تنش و بحران روی دو دریا شبیه «آتش زیر خاکستر» پابرجا و دوام‌دار باقی مانده است و هرازگاهی درگیری‌های لفظی و اختلافات و مشکلات دیپلماتیک را پدید آورده است. تا جایی که دست‌کم از سال ۱۸۷۲م یکی از منابع پایدار مشاجر و اختلاف بین دو کشور افغانستان و ایران، حق‌آبه و چگونه‌گی بهره‌برداری و تعیین میزان و مقدار حق‌آبه از موارد مناقشه‌برانگیز روی دریای هیرمند بوده است. این مشکل تا کنون ۱۲ بار باعث بروز تنش دیپلماتیک بین دو کشور شده و ۲۷ بار مذاکره دوجانبه و مستقیم یا قبول حکمیت برای حل‌وفصل آن صورت پذیرفته است (فلاح‌نژاد، ۱۳۹۴:۱۴۳).

## دریای هلمند به‌عنوان عامل اختلافی

یکی از موارد بالقوه تنش‌زا در یک سده اخیر در روابط دو کشور، دریای هلمند بوده است. این مساله چندین و چند بار به دلیل خشک‌سالی‌ها، پرابی‌ها، کانال‌سازی‌ها و از همه مهم‌تر چگونه‌گی بهره‌برداری از حق‌آبه، دو طرف را به مذاکره، گفت‌وگو، کمیسیون‌سازی و چاره‌جویی کشانده است. حاصل این‌همه کار، توافق‌نامه ۱۳۵۱ م‌خ است که براساس آن حق‌آبه ایران از این رودخانه سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب تعیین شده است. آن‌چه بیش از پیش می‌تواند به چالش‌ها بیفزاید، عدم عضویت دو کشور در کنوانسیون‌های مربوط به رودخانه‌های بین‌المللی است تا در صورت پدید آمدن اختلاف، به آن رجوع کنند. علاوه بر مناقشه بر سر تقسیم حق‌آبه، یکی از موارد بالقوه‌ای که کمتر مورد توجه واقع شده، مساله مرز آبی دو کشور در ناحیه دلتای دریای هلمند است که حدود ۵۵ کیلومتر مرز آبی

## حاصل این‌همه کار،

**توافق‌نامه ۱۳۵۱ م‌خ**

**است که براساس آن حق‌آبه**

**ایران از این رودخانه سالانه**

**۸۲۰ میلیون مترمکعب تعیین**

**شده است. آن‌چه بیش از**

**پیش می‌تواند به چالش‌ها**

**بیفزاید، عدم عضویت دو کشور**

**در کنوانسیون‌های مربوط به**

**رودخانه‌های بین‌المللی است.**

از دیر باز یکی از اصلی‌ترین منابع چالش و بنیادی‌ترین منبع تنش در روابط خارجی افغانستان و ایران، مساله آب بوده است. به خاطر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک دو کشور، همسایگی و داشتن بیش از ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک، همگونی‌ها و همانندی‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی که به‌عنوان مزیت و عامل هم‌گرایی عمل کرده‌اند، مواردی مانند دریا‌های مشترک و مساله مهاجران هم هستند که همواره سبب اختلاف شده‌اند. در این سطور تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که «چگونه منابع آبی مشترک عامل پایدار اختلاف و منبع تنش‌زا و چالش‌زا در روابط خارجی افغانستان و ایران بوده است.» برای پاسخ، به دنبال آن هستیم تا نشان دهیم که «تنش آبی میان دو کشور جدی بوده و امکان و ظرفیت بالفعل و بالقوه بحرانی شدن را در بطن خود دارد و می‌تواند منجر به اختلافات دوام‌دار و دامنه‌دار دیگری همچون اختلافات بر سر تعیین مرز شود.»

## نگاه گذرا به اختلافات آبی دو کشور

همزمان با شکل‌گیری مرزهای دو کشور با حکمیت انگلیس برای حل اختلافات مرزی و جدایی افغانستان و ایران و تعیین و تشکیل مرز در سده نوزدهم میلادی، اختلافات روی تقسیم حق‌آبه بر دو دریای هیرمند و هری‌رود، دو حوزه آبی مشترک میان دو کشور، نیز

# آیا طالبان به‌راستی پیرو و دوست‌دار امام ابوحنیفه‌اند؟

طالبان با این توجیه عوام‌فربانانه نام شهر چاریکار را به «شهر امام اعظم ابوحنیفه» تغییر داده‌اند که گویا پدر بزرگ امام ابوحنیفه از خواجیه‌سیاران چاریکار بوده است. در روایتی دیگر، بعضی از نویسندگان افغانی مدعی شده‌اند که جد ابوحنیفه از استرغچ بوده است.

## شهاب

دنیای جدید کمک بگیرند. خوش‌بختانه در سال‌های پسین، در کشور ما نیز افرادی پیدا شده‌اند که به سنت امام ابوحنیفه توجه نشان می‌دهند و در نظر دارند از لابه‌لای آن، مقولات و حرف‌هایی را بیرون بکشند که برای اکنون ما به کار آید.

۲. طالبان با این توجیه عوام‌فربانانه نام شهر چاریکار را به «شهر امام اعظم ابوحنیفه» تغییر داده‌اند که گویا پدر بزرگ امام ابوحنیفه از خواجیه‌سیاران چاریکار بوده است. در روایتی دیگر، بعضی از نویسندگان افغانی مدعی شده‌اند که جد ابوحنیفه از استرغچ بوده است. اما این ادعاها با شک‌وت‌ریدهای مواجه است. در منابع معتبر و متعدد، کابلی‌الاصل بودن امام ابوحنیفه محرز و مسلم تلقی شده است. محققان این روایت را که اجداد ابوحنیفه از کابل بوده‌اند، نسبت به دیگر روایت‌ها قابل‌اعتمادتر به شمار آورده‌اند. این را هم می‌دانیم که کابل تاریخی از لحاظ وسعت جغرافیایی شامل چندین ولایت می‌شده است. با این حال، ادعای خواجیه‌سیاران یا استرغچی بودن امام ابوحنیفه مبنای معتبری ندارد و بیشتر به تبلیغات حکومتی شبیه است.

ادامه در صفحه ۷



نشان دهند و از آن برای سازگار کردن گفتمان دینی با مقتضیات زمانه و پاسخگو ساختن آن به برخی از پرسش‌های جدید بهره ببرند. پژوهش‌های پرشماری، چه در شرق جهان و چه در غرب آن، در خصوص میراث امام ابوحنیفه صورت گرفته که هر کدام از آن‌ها در جای خود قابل توجه و بررسی است. دست‌کم در نیم قرن اخیر، افکار و دیدگاه‌های امام ابوحنیفه در کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه و خوانش دوباره قرار گرفته و محققان کوشیده‌اند از آن برای مقابله با چالش‌های

در رژیم طالبان، عبدالله امین‌زاده، اعلام کرده که نظر به تقاضای مردمی، شهر چاریکار به شهر امام اعظم ابوحنیفه تغییر نام یافته است.

چند نکته در این زمینه قابل یادآوری است:

۱. امام ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ ه.ق) یکی از برجسته‌ترین فقیهان و متکلمان در تاریخ اسلام است. فقه و کلام او مزیت‌های بسیاری دارد که سبب شده معاصران نیز به میراث فکری و فقهی امام ابوحنیفه توجه

در صد سال اخیر، یکی از اقدامات مساله‌ساز حکومت‌های مختلف افغانستان، تغییر نام شهرها و مکان‌های تاریخی بوده است. معمولاً آن عده از حاکمانی که سودای تحمیل هویتی خاص بر همه مردم افغانستان را در سر می‌پرورانده‌اند، با این قبیل کارها، در صدد بازتعریف هویت ساکنان افغانستان بوده و می‌خواسته‌اند آنان را از گذشته تاریخی‌شان دور کنند. در زمان محمدنادر و پسرش محمدظاهر، نام‌های بسیاری از مناطق کشور تغییر داده شده و با نام‌های جعلی و بی‌هویت تازه مسما شده است. مردم در آن زمان هم نسبت به این اجحاف‌ها و دست‌کاری‌های تاریخی معترض بودند، اما صدای‌شان را کسی نمی‌شنید.

به نظر می‌آید که طالبان با بازگشت‌شان به قدرت، از آنجایی که خود را حاکم بلامنازع کشور می‌دانند و حاکمیت‌شان را از هیچ ناحیه‌ای در خطر احساس نمی‌کنند، خیال دارند همه چیز را از سر تعریف کنند و به‌شکل دل‌خواه خود در بیاورند. یکی از عرصه‌هایی که طالبان در آن جولان خواهند داد، عرصه فرهنگ و تاریخ است. آن‌ها قصد دارند تاریخ افغانستان را به نفع خود بنویسند و با حذف هویت‌های بومی، هویتی تازه برای افغانستان بترانند که به کار ایدیولوژی دینی-قومی‌شان بخورد. اخیراً والی پروان



## آرژانتین برای تجلیل از قهرمانی در جام جهانی سه‌شنبه را تعطیل عمومی اعلام کرد

دولت آرژانتین اعلام کرده است که برای تجلیل از قهرمانی تیم فوتبال این کشور در جام جهانی قطر، روز سه‌شنبه، ۲۰ دسامبر، را تعطیل عمومی اعلام می‌کند.

همزمان میلیون‌ها تن در پایتخت آرژانتین، برای استقبال از تیم ملی‌شان گرد هم آمده‌اند و در سراسر این کشور آماده‌گی‌ها برای جشن پیروزی گرفته شده است.

فدراسیون فوتبال آرژانتین اعلام کرده که تیم ملی این کشور قهرمانی خود در جام جهانی را روز سه‌شنبه در ایلیسک، واقع در بوئنس‌آیرس، پایتخت آرژانتین، جشن می‌گیرد.

ایلیسک بنای یادبودی است که مرکز سنتی جشن‌های ورزشی در آرژانتین می‌باشد.

اتحادیه فوتبال آرژانتین (AFA) در حساب کاربری رسمی خود در توئیتر اعلام کرده است: «تیم قهرمان جهان، ظهر روز سه‌شنبه عازم ایلیسک می‌شود تا قهرمانی جهان را با هواداران جشن بگیرد.»

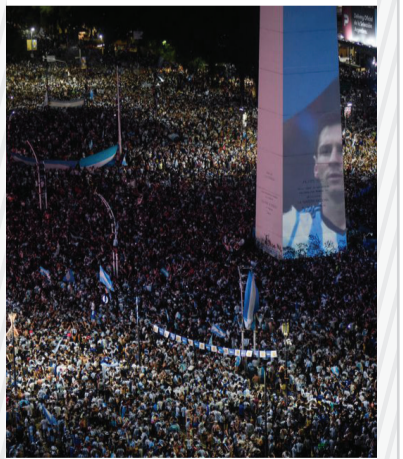
اتحادیه فوتبال آرژانتین همچنان گفته که دولت نیز روز سه‌شنبه را تعطیل اعلام کرد تا تمام کشور «عمیق‌ترین شادی خود را برای تیم ملی ابراز کند.»

به گزارش رسانه‌های محلی، تیم ملی آرژانتین در ساعات اولیه روز سه‌شنبه با یک پرواز هوایی دولتی وارد این کشور می‌شود و شب را در مرکز تفریحی فدراسیون، واقع در نزدیکی فرودگاه می‌گذرانند.

آرژانتینی‌ها که پس از سومین قهرمانی‌شان در جام جهانی در گوشه و کنار این کشور به خیابان‌ها آمده‌اند، بی‌صبرانه منتظر ورود تیم ملی‌شان برای ادامه جشن هستند.

لیونل مسی، کاپیتان این تیم، گفته است: «می‌خواهم در آرژانتین باشم تا ببینم چقدر دیوانه‌کننده است. می‌خواهم آن‌ها منتظر من باشند، نمی‌توانم صبر کنم تا به آن‌جا بروم و با آن‌ها لذت ببرم.»

گفتنی است که آرژانتین پس از تساوی ۳-۳ در یک بازی تپنده‌ای که توسط بسیاری به عنوان یکی از بهترین فینال‌های تاریخ جام جهانی شناخته شد، فرانسه را ۴-۲ در ضربات پنالتی شکست داد.



## عوامل تنش آبی...



دکتر عنایت‌الله ابلاغ نیز در کتاب «ابوحنیفه المتکلم» که بعداً به نام «امام اعظم و افکار او» به فارسی برگردانده شده است، این نکته را صراحتاً یادآور شده که جد امام ابوحنیفه از خواجه‌سیاران یا استرغج بوده است. او این ادعا را مطرح می‌کند، ولی منابعی که ارایه می‌دهد، منابعی معتبر نیستند. جالب این‌جا است که ابلاغ برای اثبات ادعای خود در خصوص خواجه‌سیارانی یا استرغجی بودن ابوحنیفه، به پژوهشگران افغانی حواله می‌دهد، اما کتاب‌هایی که ذکر می‌کند کتاب‌های کمترشناخته شده هستند و به پژوهشگران افغانی ربطی ندارند. شایسته است تکه‌ای از حرف‌های ابلاغ را در این‌جا بیاوریم: «مقصود پژوهشگران از کابل، پایتخت کنونی افغانستان نیست، بلکه آن کابلی که مورخان از آن سخن می‌زنند بسیار بزرگ‌تر از کابل کنونی بوده، چون به قول آن‌ها کابل عبارت بوده از منطقه‌ای در همسایه‌گی غزنی و مردم فاصله جغرافیایی میان تخارستان و غزنی را از طریق کابل عبور می‌کرده‌اند. روی این حساب، منطقه کابل قدیم شش ولایت را در بر می‌گرفته، از جمله ولایت پروان که در شمال پایتخت و در فاصله ۶۰ کیلومتری آن قرار دارد. امام ابوحنیفه به همین ولایت منسوب است. روستای آبابی امام در جنوب‌غربی شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، در کنار کوهی است که به بامیان وصل می‌شود. بامیان ساحه‌ای تاریخی در افغانستان است و آثار باستانی مربوط به سده‌ها قبل از اسلام در آن قرار دارد... محققان افغانی که در پژوهش‌های‌شان از کتاب‌های تاریخ افغان استفاده کرده‌اند و در مورد مسکن اصلی اجداد ابوحنیفه تحقیق کرده‌اند، گفته‌اند که منطقه آبابی امام ابوحنیفه پروان و روستایی که به آن منسوب استند خواجه‌سیاران است (حدیقه الاقالیم، تألیف مرتضی حسین، صص ۳۶۷-۴۰۰).»

اشکالی که محققان افغان از جمله عنایت‌الله ابلاغ به آن پاسخ نمی‌دهند، این است که در منابع معتبر سخنی از خواجه‌سیاران یا استرغج نیامده است. اصلاً آیا خواجه‌سیاران یا استرغج در سیزده‌چهارده صد سال پیش، آبادی بوده و ساکنانی داشته‌اند؟ باز در صورتی که این‌جاها آبادی بوده‌اند، آیا در آن روزگار هم به همین نام‌ها یاد می‌شده‌اند یا به نام‌های دیگر؟ نمی‌دانم استرغج دقیقاً چه معنا دارد، ولی از نام خواجه‌سیاران پیدا است که پس از ورود اسلام و جای‌گیر شدن فرهنگ اسلامی این نام را به خود گرفته است.

۳. در دو سه دهه‌ای که طالبان در افغانستان حضور دارند، همواره سعی می‌ورزند خود را حنفی‌مذهب نشان دهند و به همین دلیل بی‌مذهبی را بر نمی‌تابند و آن را انحرافی آشکار تلقی می‌کنند. با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، سلفی‌ها سوراخ موش می‌پالند یا از روی تقیه کوشش می‌کنند خود را حنفی‌جا بزنند. برخورد طالبان با سلفی‌ها در مواردی بسیار خشونت‌بار و خونین بوده است. اختلاف میان طالبان و حداقل بخشی از سلفی‌ها اگرچه ریشه در سیاست دارد، اما نقش اختلاف‌های مذهبی و عقیده‌ای را در این میان نمی‌توان نادیده گرفت.

با وجود همه این‌ها، اگر طالبان به‌راستی پیرو

است. رهبران طالبان، سال‌های سال برای تهییج احساسات جنگ‌جویان خود، با اندک‌ترین شبهه‌ای سربسته می‌کردند. مثلاً طالبان در این سال‌ها به‌صورت مستمر هر کسی را که با نظام جمهوری همکاری می‌کرد، کافر و مرتد می‌دانستند و به‌آسانی قلع‌و‌قمع می‌کردند.

طالبان در ادعای حنفی‌گری مرتکب دروغ کلان شده‌اند. آنان در طول سال‌های دراز، به فتوای «تترس» ابن تیمیه برای کشتن بی‌گناهان در شهرها و روستاهای افغانستان استناد می‌کردند. ابن تیمیه نه تنها هیچ نسبتی با حنفیت ندارد، بلکه از لحاظ تقابل فکری، در قطب مخالف حنفیت قرار دارد و از استوانه‌های اصلی جریان نص‌گرا است. در بعضی موارد، نقطه اتکای القاعده و داعش هم در راه‌اندازی حمام خون، بعضی فتوای ابن تیمیه و عالمان دین شبیه او بوده است. طالبان، القاعده و داعش از یک سرچشمه تغذیه می‌کنند؛ سرچشمه‌ای که با حنفیت پیوندی ندارد. طالبان در شعار، خود را حنفی می‌شمارند، چون می‌دانند که مذهب ابوحنیفه از احترام ویژه‌ای در میان مردم برخوردار است، اما در عمل به راه دیگری می‌روند. حنفی‌گری آنان، شعاری دروغین برای پرده‌پوشی بر کارهای نادرست‌شان است.

۴. چاریکار که بر منطقه‌ای در مرکز پروان اطلاق می‌شود، نامی تاریخی و کهن است. محققان می‌گویند که این نام از زمان‌های بسیار قدیم بر این منطقه جغرافیایی گذاشته شده است. با تغییر نام این شهر، گذشته تاریخی آن زوده و هویت آن سلب می‌شود. چرا باید برای تجلیل از ابوحنیفه، از شهری کهن هویت‌زدایی و تاریخ آن از حافظه‌ها سترده شود؟ اگر قرار بر پاس‌داشت نام و میراث امام اعظم است، برای این کار راه‌های معقول‌تر و منطقی‌تری وجود دارد. برای نمونه، یکی از کارها این است که مرکز بزرگ پژوهشی به نام امام اعظم ابوحنیفه ساخته شود و در آن، محققانی بزرگ از سراسر جهان گرد هم آیند و راجع به سنت حنفی پژوهش کنند و نتایج تحقیقات‌شان را در قالب مقاله‌ها و کتاب‌هایی که مبتنی بر معیارهای علمی جهانی باشد، به زبان‌های ملی و بین‌المللی، به خورد مردم بدهند. با توجه به امکانات و آفری که طالبان در دست دارند، تأسیس و مدیریت این مرکز تحقیقاتی هزینه زیادی بر نمی‌دارد. آن‌ها با اقدام به تغییر نام «چاریکار» قصد دارند با یک تیر دو نشان را بزنند: هم از بخشی از منطقه شمالی که همواره چالش‌هایی برای تمامیت‌خواهان ایجاد کرده هویت‌زدایی کنند و از سوی دیگر، با این کار بی‌هزینه تلاش می‌ورزند افراد ساده‌لوح را بفریبند و خود را در نزد آنان پیرو صادق ابوحنیفه نشان دهند. به دلیل این‌که مردم افغانستان در گذشته افرادی را حاکم بر سرنوشت و تقدیر خود دیده‌اند که با تاریخ و هویت نهاده‌شده این سرزمین، سر دشمنی داشته و اراده‌شان بر این قرار گرفته بوده که هویتی بر ساخته برای این کشور دست‌وپا کنند، حالا هر حرکتی که از آن بوی هویت‌ستیزی به مشام برسد، حساسیت‌ها را تحریک می‌کند و اعتراض‌ها را برمی‌انگیزد. اعتراض‌هایی که در روزهای اخیر در فضای مجازی علیه اقدام طالبان در مورد تغییر نام چاریکار صورت گرفت، ثابت می‌کند که طالبان در این راستا با دزدیه‌هایی مواجه‌اند. درست است که طالبان مفهومی را به نام افکار عمومی به رسمیت نمی‌شناسند و به چیزی نمی‌خرند، اما این نکته را نباید از یاد برد که سرکوب نظرات مخالف در شرایط کنونی که فناوری ارتباطی، اعتراض علیه حکومت‌های سرکوب‌گر را آسان‌تر از گذشته ساخته، کاری است دشوار و هزینه‌های کمرشکن و طاقت‌سوز را بر حکومت‌ها تحمیل می‌کند. رژیم طالبان نیرومندتر از نظام جمهوری اسلامی در ایران نیست. وقتی که جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب صداهای مخالف با چالش‌های توان‌فرسا دست به گریبان است، طالبان به طریق اولی در این زمینه از خود ناتوانی نشان خواهند داد.

اداره پولیس منطقه یورک کانادا اعلام کرده است که در پی تیراندازی در یک مجتمع مسکونی در شهر وان در شمال تورنتو، پنج قربانی و یک مظنون کشته شده‌اند. براساس گزارش رویترز، پولیس اوایل روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، در بیانیه‌ای اعلام کرده است که یکی دیگر از قربانیان در وضعیت وخیم در شفاخانه بستری است. پولیس کانادا مردم محل را برای تهیه گزارش به ساختمان مسکونی که در آن‌جا این رویداد رخ داده، فرا خوانده است. به گفته پولیس، مظنون پس از برخورد با پولیس مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در محل حادثه جان باخته است. پولیس کانادا در بیانیه گفته است که تحقیقات ادامه دارد و هیچ تهدید دیگری برای امنیت عمومی وجود ندارد.

## دولت هالند به خاطر نقش تاریخی کشورش در تجارت برده‌داری عذرخواهی کرد



### نظرسنجی ماسک نشان می‌دهد که اکثریت خواهان کناره‌گیری او از ریاست توئیترند

کاربران توئیتر در یک نظرسنجی به کناره‌گیری ایلان ماسک از سمت ریاست اجرایی این رسانه اجتماعی رای داده‌اند.

براساس نظرسنجی‌ای که ایلان ماسک شامگاه یکشنبه، ۱۸ دسامبر، راه انداخته است، حدود ۵۷.۵ درصد به کناره‌گیری او رای موافق و ۴۲.۵ درصد رای مخالف داده‌اند.

براساس گزارش رویترز، بیش از ۱۷.۵ میلیون تن به نظرسنجی ایلان ماسک در توئیتر رای داده‌اند. ماسک گفته است که از نتایج نظرسنجی تبعیت خواهد کرد؛ اما در مورد این که چه زمانی از سمتش کناره‌گیری خواهد کرد، جزئیاتی ارائه نکرده است.

مارک روت، نخست‌وزیر هالند، از طرف دولتش به خاطر نقش تاریخی‌ای که کشورش در برده‌داری و تجارت برده داشته است، عذرخواهی کرد. نخست‌وزیر هالند روز دوشنبه، ۲۸ قوس، در یک سخنرانی ۲۰ دقیقه‌ای در این مورد گفت: «امروز عذرخواهی می‌کنم.» روت پس از سخنرانی به خبرنگاران گفت که دولت به «مردم، نوه‌ها یا فرزندان نوه‌های افراد به برده‌گی گرفته شده» غرامت نمی‌پردازد. او با توصیف این که چگونه بیش از ۶۰۰ هزار مرد، زن و کودک آفریقایی توسط برده‌فروشان هالندی به سورینام،

مستعمره سابق آن فرستاده شدند، گفت که تاریخ اغلب «زشت، دردناک و حتا کاملا شرم‌آور» است. این در حالی است که برخی از گروه‌های فعال در هالند و مستعمرات سابق آن از روت خواسته بودند که تا اول جنوری سال آینده صبر کند، اما او زودتر به این ماجرا پرداخت. این فعالان اجتماعی سال آینده را یک‌صدوپنجاهمین سالگرد لغو برده‌داری در نظر می‌گیرند، چرا که بسیاری از این برده‌ها تا یک دهه پس از لغو برده‌داری همچنان مجبور به ادامه کار در مزارع بودند.



## تاکید پوتین و لوکاشنکو بر حفظ روابط دو کشور

دو کشور رسیده‌ایم و تا پایان سال این میزان به ۴۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. او تاکید کرده است: «همکاری مشترک در زمینه توسعه فناوری‌های پیشرفته بسیار مهم است.» لوکاشنکو در این دیدار گفته است: «هرگز اشتباهاتی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روی داد را تکرار نخواهیم کرد.»

رییس جمهور بلاروس تصریح کرده است: «با وجود تحریم‌هایی که علیه ما اعمال شده است، در راستای تقویت

بربنیاد گزارش‌ها، رییس جمهور روسیه در گفت‌وگو با هم‌تای بلاروسی خود بر اهمیت روابط روسیه و بلاروس تاکید کرده است. رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، در دیدار با لوکاشنکو، رییس جمهور بلاروس، از اهمیت روابط دو کشور خبر داده و بلاروس را شریکی مهم برای روسیه در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصاد عنوان کرده است. پوتین افزوده است: «به تبادلی تجاری ۳۱ میلیارد دلاری بین



روابط با روسیه گام برمی‌داریم.»

این در حالی است که رییس جمهور روسیه امروز با وزیران دفاع و خارجه این کشور وارد بلاروس شد.

## چهار نیروی سپاه پاسداران در درگیری با افراد مسلح ناشناس در سیستان و بلوچستان کشته شدند

دوشنبه، ۱۸ دسامبر، در منطقه سراوان سیستان و بلوچستان در مرز میان ایران و پاکستان رخ داده است. در همین حال، روابط عمومی قرارگاه سپاه قدس گفته است که یک گروه مسلح با نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم

منابع از شهر سیستان و بلوچستان گزارش می‌دهند که در یک درگیری بین نیروهای مسلح ناشناس و نیروهای سپاه پاسداران ایران چهار تن از این نیروها کشته شده‌اند. منابع می‌گویند که درگیری میان دو طرف بامداد روز

### سازمان ملل:

## ۱۰۳ میلیون تن در جهان آواره‌اند



آژانس پناهنده‌گان سازمان ملل متحد گفته است که تا پایان ماه جون سال روان میلادی، آمار کسانی که به دلیل نقض حقوق بشر و برهم خوردن نظم عمومی در سراسر جهان از خانه‌های خود آواره شده‌اند، به ۱۰۳ میلیون تن رسیده است.

آژانس پناهنده‌گان سازمان ملل متحد روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، اعلام کرده است که در سال روان میلادی، حدود ۱۳.۶ میلیون تن در سراسر جهان آواره شده‌اند.

این رقم نشان می‌دهد که آمار آواره‌گان جهان نسبت به سال قبل ۱۵ درصد افزایش یافته است. این نهاد تصریح کرده که تا اواسط سال ۲۰۲۲، از هر ۷۷ نفر در جهان یک نفر به اجبار آواره شده است.

سازمان ملل می‌گوید که جنگ اوکراین باعث شد تا سریع‌ترین جابه‌جایی جمعیتی پس از جنگ جهانی دوم در جهان اتفاق بیفتد. به گفته این نهاد، از آغاز تهاجم روسیه بر اوکراین تا نیمه‌های سال ۲۰۲۲، حدود ۵.۴ میلیون شهروند اوکراین کشور خود را ترک کرده و به کشورهای دیگر پناه برده‌اند.

براساس یافته‌های سازمان ملل، ترکیه، کلمبیا، آلمان و پاکستان چهار کشوری‌اند که به ترتیب بیشترین رقم مهاجران به آن‌ها سرازیر شده‌اند.

## کمک ۳۰۴ میلیون دلاری بریتانیا به اوکراین

رسانه‌های بین‌المللی از کمک ۳۰۴ میلیون دلاری بریتانیا برای تقویت ضد حمله اوکراین در برابر حملات روسیه خبر داده‌اند. الجزیره گزارش داده که دفتر نخست‌وزیر بریتانیا روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، در بیانیه‌ای بسته کمکی جدید این کشور به اوکراین را تأیید کرده است. بربنیاد معلومات بیانیه دفتر نخست‌وزیر بریتانیا، این بسته کمکی شامل صدها هزار گلوله توپ است که جریان ثابت مهمات توپخانه‌ای اوکراین را در سال ۲۰۲۳ تضمین می‌کند. قرار است ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا، این بسته کمکی را در پایان امروز در نشست سران نیروهای اعزامی یا JEF در لتونی اعلام کند. نشست نیروهای اعزامی یا JEF با حضور سران کشورهای دانمارک، استونی، فنلاند، آیسلند، لتونی، لیتوانی، هالند، ناروی، سویدن و بریتانیا امروز برگزار می‌شود. بربنیاد یافته‌های مؤسسه کیل، یک نهاد صدکننده کمک‌ها به کی‌یف که در آلمان مستقر است، بریتانیا از آغاز حمله روسیه بر اوکراین، ۷.۴۳ میلیارد دلار به این کشور کمک کرده است.



## وقوع سه حمله در پاکستان؛

## چهار تن کشته و ۲۰ تن زخمی شدند



براساس گزارش‌ها، در نتیجه سه حمله جداگانه در پاکستان، چهار تن کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، در رویداد نخست روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، در اثر انفجاری در چوک فاروق اعظم در منطقه «خضدار» بلوچستان، دست کم ۲۰ تن زخمی شده‌اند. مقام‌های پولیس پاکستان گفته‌اند که زخمیان این رویداد به شفاخانه دولتی «خضدار» منتقل شده‌اند.

ماهیت این انفجار هنوز مشخص نیست. شاخه رسانه‌ای ارتش پاکستان گفته است که روز دوشنبه، ۱۹ دسامبر، یک انفجار انتحاری در منطقه عمومی میران‌شاه در وزیرستان شمالی رخ داده است.

براساس اعلامیه ارتش پاکستان، نایک عابد ۳۳ ساله، عضو نیروهای نظامی این کشور با دو غیرنظامی در این حمله کشته‌اند و یک غیرنظامی دیگر زخمی شده است. به گفته پولیس پاکستان، همچنان یک بازرس اداره استخبارات این کشور توسط موتورسایکل‌سواران ناشناس در منطقه ماترای پیشاور به ضرب گلوله کشته شده است. پولیس پاکستان افزوده است: «ما به این رویداد به‌عنوان یک حمله هدفمند می‌بینیم.» در همین حال، تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) مسوولیت حمله اخیر را به دوش گرفته است.

درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در حالی در پاکستان افزایش یافته است که چندی پیش رهبر تحریک طالبان پاکستان اعلام کرد که با دولت این کشور آتش‌بس را لغو کرده و حملاتی را در سراسر کشور علیه نیروهای نظامی دولتی راه‌اندازی خواهد کرد.